

در محدودیت‌های فزاینده بین‌المللی انضباط مالی و تخصیص بهینه منابع بیش از پیش حیاتی است

علاج کسری بودجه با بودجه‌ریزی عملیاتی

مهدی دانشمند، استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت تغییر شیوه بودجه‌ریزی در کشور به «جوان» گفت: بودجه‌ریزی سنتی در کشور یکی از دلایل کسری بودجه بوده است

درماندگی بودجه‌ریزی سنتی با تورم فزاینده بیش از پیش بر همگان آشکار شده و حالا در محدودیت‌های فزاینده بین‌المللی انضباط مالی نه فقط امری ضروری، بلکه حیاتی است. دولت باید از روش «چقدر پول می‌خواهید» به این پرسد که «پول برای انجام چه کاری و با چه نتیجه‌ای قرار است، هزینه شود». مثل پدری که پول فراوان از اختیار فرزندش می‌گذارد، اما این پول زیاد به جای بلوغ فکری به مسیر انحرافی می‌رود. اکنون این اتفاق در اقتصاد ایران نیز رخ داده است. ۸۰۰ هزار میلیارد تومان میزان کسری بودجه‌ای است که از سوی منابع غیررسمی اعلام شده است. این میزان کسری قابل توجه این سؤال را ایجاد می‌کند چرا با وجود فشار مالی و کمبود منابع همچنان بودجه‌ریزی به روش سنتی و چانه‌زنی است و حذف یا ادغام نهادهای غیر مولد در دستور کار جدی قرار نمی‌گیرد؟

■ ■ ■

بودجه‌ریزی یکی از ابزارهای حیاتی دولت‌ها برای تخصیص منابع، برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و کنترل هزینه‌ها بوده است. در طول زمان، مدل‌های بودجه‌ریزی از شیوه‌های سنتی به سمت بودجه‌ریزی عملیاتی حرکت کرده است، اما در نظام بودجه‌ریزی کشور به رغم اذعان همه تصمیم‌گیران اراده‌ای جدی برای بوجه‌ریزی عملیاتی وجود نداشته است.

به رغم اینکه تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی حداقل از برنامه چهارم توسعه به این‌سو همواره مورد توجه بوده، ولی تجربه کشورمان در پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است.

■ نتیجه محوری به جای پرداخت صرف

مهدی دانشمند، استاد دانشگاه با تأکید بر ضرورت تغییر شیوه بودجه‌ریزی در کشور به «جوان» گفت: بودجه‌ریزی سنتی در کشور یکی از دلایل کسری بودجه بوده است. وی با ذکر مثالی در این زمینه افزود: شیوه بودجه‌ریزی سنتی اینگونه است که مثلاً فلان دستگاه چند هزار میلیارد تومان سال گذشته هزینه داشته و حالا در سال جدید مثلاً ۲۰ درصد به هزینه‌های سال قبل باید اضافه شود. این در شرایطی است که اساساً در این بودجه‌ریزی نتیجه هزینه‌ها لحاظ نشده و فقط افزایش بودجه مدنظر

قرار گرفته است.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: نظام بودجه‌ریزی

مبتنی بر روش سنتی، ناکارآمد، غیرشفاف و مبتنی بر چانه‌زنی است. بودجه‌ریزی سنتی صرفاً بر میزان تخصیص منابع به هر واحد تمرکز دارد، این در شرایطی است که بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد به دنبال مرتبط کردن منابع مالی به نتایج مشخص فعالیت‌هاست.

وی با اشاره به شرایط کنونی اقتصاد ایران و لزوم عبور از

شیوه‌های غلط گذشته گفت: آقای پزشکیان اخیراً در سخنرانی به بودجه‌ریزی کشور ابراداتی وارد دانسته‌اند.

بنابراین در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم و مشکلات فروش نفت باید تعارفات را کنار گذاشت و به صورت جدی و عملیاتی تصمیم گرفت؛ اینکه فلان وزارتخانه سال گذشته این میزان هزینه را داشته صرفاً به معنای این نیست که این هزینه‌ها اسال نیز باید تکرار شود. مثلاً وزارتخانه‌ای سال ۱۴۰۳ تصمیم به خرید

اصلاح قانون شهرداری‌ها فرصت مهار تخلفات ساختمانی را فراهم می‌کند

ماده ۱۰۰ در بزنگاه تغییر

ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها که از سال ۱۳۳۴ تاکنون مسئول رسیدگی به تخلفات ساختمانی بوده، امروز به نقطه‌ای بحرانی رسیده است

جایی که فساد، بی‌اعتمادی عمومی و زیان اقتصادی، اصلاح این ماده را به ضرورتی فوری بدل کرده است



پیامد این روند را می‌توان در جای‌جای شهرها دید؛ ساختمان‌هایی که بدون پارکینگ ساخته می‌شوند و بحران ترافیک محلات را دوجندان می‌کنند، بناهایی که اضافه‌طبقه دارند و بار مضاعف بر زیرساخت‌های شهری می‌گذارند و خانه‌هایی که با مصالح بی‌کیفیت در حاشیه شهر قد می‌کشند و در نخستین زلزله بلعیده می‌شوند. اینها فقط تخلف‌های فنی نیستند، بلکه هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بزرگی هستند که بر دوش همه شهروندان تحمیل می‌شوند.

کارشناسان سال‌هاست هشدار می‌دهند که ماده ۱۰۰ به جای آنکه تخلفات را مهار کند، به چرخه‌ای برای بازتولید آنها تبدیل شده است. فقدان وحدت رویه میان کمیسیون‌های شهرهای مختلف، اجرای گزینشی و سلیقه‌ای احکام، طولانی بودن روند رسیدگی و ناتوانی در اجرای آرای تخریب، تنها بخشی از آسیب‌های این ماده‌اند. در بسیاری از شهرها، هزاران حکم تخریب روی هم انباشته شده که اجرای آنها به دلیل هزینه‌های اجتماعی و مالی عملاً غیرممکن است. در نتیجه قانون به‌صورت روی کاغذ می‌تواند از کمیسیون‌های رای جریمه بگیرد و از خطر قلع و قمع رایایی یابد. همین سازوکار، شهرداری‌ها را نیز به سمت اتکا به درآمده ناشی از تخلفات سوق داده است. در سال‌هایی که بودجه مدیریت شهری با کسری روبه‌روست، جرایم ماده ۱۰۰ به‌جای آنکه تنبیه باشند، به منبع درآمد بدل می‌شوند؛ پدیده‌ای که نه تنها بازدارنده نیست، بلکه تخلف را به‌نوعی مقرون به‌صرفه می‌سازد.



شیوه‌های غلط گذشته گفت: آقای پزشکیان اخیراً در سخنرانی به بودجه‌ریزی کشور ابراداتی وارد دانسته‌اند. بنابراین در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم و مشکلات فروش نفت باید تعارفات را کنار گذاشت و به صورت جدی و عملیاتی تصمیم گرفت؛ اینکه فلان وزارتخانه سال گذشته این میزان هزینه را داشته صرفاً به معنای این نیست که این هزینه‌ها امسال نیز باید تکرار شود. مثلاً وزارتخانه‌ای سال ۱۴۰۳ تصمیم به خرید

تجهیزات می‌گیرد، اما سال ۱۴۰۴ این‌س خرید صورت نمی‌گیرد، این در حالی است که در بودجه‌ریزی سنتی این هزینه‌ها خود به خود لحاظ می‌شوند و اینگونه است که کشور به مصائب کسری بودجه که در نهایت منجر به تورم و کوچک شدن سفره‌های مردم می‌شود، دچار شده است.

دانشمند با بیان اینکه پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی نیازمند شناخت دقیق هزینه‌های هر فعالیت است تا از این



مهدی دانشمند، استاد دانشگاه: نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر روش سنتی، ناکارآمد، غیرشفاف و مبتنی بر چانه‌زنی است. بودجه‌ریزی سنتی صرفاً بر میزان تخصیص منابع به هر واحد تمرکز دارد، این در شرایطی است که بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد به دنبال مرتبط کردن منابع مالی به نتایج مشخص فعالیت‌هاست

طریق، هزینه‌ها را به‌صورت دقیق‌تر به فعالیت‌ها تخصیص دهند، گفت: منظور رئیس‌جمهور در سخنان اخیر خود از اختصاص بودجه سازمانی براساس میزان کارکرد و عملکرد نیز اشاره به همین ویژگی نظام بودجه عملیاتی است. این استاد دانشگاه افزود: آقای دکتر پزشکیان باید بداند که بودجه‌ریزی سنتی دیگر پاسخگو نیست. اقتصاد ایران نیازمند بودجه‌ریزی است که توازن بین هزینه‌ها و درآمدها را حفظ و به‌جای افزایش هزینه‌های جاری در جهت توسعه و تولید سرمایه‌گذاری کند.

■ نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد، علاج کسری بودجه است

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز به تازگی در جلسه کارگروه نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد در اظهاراتی به کسری بودجه قابل توجه در کشور اشاره داشت و با بیان اینکه بیشترین هزینه‌ها از هزینه‌های مصرف‌نظام بروکراسی می‌شود و به نظر می‌رسد اگر به پرداخت بر مبنای عملکرد و بودجه‌ریزی عملیاتی برویم، مشکل مزمن کسری بودجه را می‌توانیم تا حدودی حل کنیم.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با بیان اینکه کلیت بهره‌وری، دریافت بیشترین ستاده از داده است، تصریح کرد: استراتژی‌ها و راهبردهایی که بر مبنای مبانی علمی انتخاب شده، شامل مدیریت عملیاتی و مدیریت عملکرد، این موارد مقدماتی دارند. باید فرایندها احصا شود،

یادداشت

اقتصاداروپادر لبه تیغ مکانیسم ماشه

پاریسک پیشی‌گیری به قیمت نفت اضافه کنند. این یعنی حتی قبل از کاهش فیزیکی عرضه، قیمت نفت به دلیل ترس از آینده افزایش می‌یابد. تهدید تنگنه هر مسز: جمهوری اسلامی ایران بر تنگه استراتژیک هرمز تسلط دارد که یکی از حیاتی‌ترین و استراتژیک‌ترین مسیرهای انتقال نفت در جهان است. هرگونه تهدید به بستن یا مختل کردن این آب‌راه، می‌تواند باعث افزایش هراس‌آور قیمت نفت شود. این بدترین سناریوی ممکن (worst-case scenario) برای تمام اقتصادهای واردکننده نفت از جمله اروپا خواهد بود.



■ پاسخ به یک پارادوکس مهم

در پاسخ مهم به سؤال آیا اروپا از ایران نفت می‌خرد؟ باید به شرح زیر تحلیل کرد: پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا، بسیاری از کشورهای اروپایی خرید نفت از ایران را به دلیل ترس از تحریم‌های ثانویه آمریکا متوقف کردند. بنابراین، در ظاهر ممکن است به نظر برسد که اروپا دیگر از ایران نفت نمی‌خرد و افزایش قیمت نفت به آن ضرر نمی‌زند، اما این دیدگاه بسیار محدود است. قیمت نفت یک کالای جهانی است اروپا نفت خود را از منابع دیگری مانند عربستان سعودی، روسیه (پیش از جنگ اوکراین)، عراق، نیجریه و قزاقستان تأمین می‌کند. وقتی صادرات نفت ایران از بازار حذف می‌شود، قیمت نفت همه تولیدکنندگان افزایش می‌یابد. بنابراین اروپا مجبور است نفت را به‌طور کلی با قیمت بالاتری از هر منبعی که دارد بخرد. شاید تصور شود که عربستان سعودی و سایر کشورهای نفتی خلأ حذف ایران را در نفت و انرژی تأمین کنند، ولی این مسئله شاید در بازه زمانی کوتاه مدتی محقق کرد، ولی در بلندمدت قطعاً دوران این بازی مضحک تمام خواهد شد و کشورهای طرف مقابل بهای بیشتری را به دلیل وابستگی شدید اقتصاد خود به نفت از اروپا طلب خواهد کرد. نکته مهم نیز این است، باید دانست که افزایش بهای سوخت نیز منجر به افزایش هزینه حمل و نقل بین‌المللی خواهد شد و این یعنی افزایش بهای تمام شده کالاها برای اقتصاد جهانی به ویژه کالاهای صنعتی و غیرصنعتی و حتی مصرفی (از منظر تولید) برای اروپا. در نهایت حمایت اروپا از مکانیسم ماشه علیه جمهوری اسلامی ایران در بلندمدت تبعاتی برای اروپا خواهد داشت که اقتصاد آنها را از درون وارد آشوب خواهد کرد.

«کارشناس اقتصادی

■ عارف بهروز*

مکانیسم ماشه یا همان Snapback Mechanism یک ابزار در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است که اهداف راهبردی آن بازگرداندن سریع و خودکار تحریم‌های قدیمی بوده است. فرایند فعالسازی این مکانیسم در بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه مذکور شرح داده است که به نظر می‌رسد یک «راه‌فرار» یا «ضمانت اجرا» برای اعضای دائم شورای امنیت استراتژی‌ها و راهبردهایی که بر مبنای مبانی علمی انتخاب شده، شامل مدیریت عملیاتی و مدیریت عملکرد، این موارد مقدماتی دارند. باید فرایندها احصا شود، هر چند این روزها تهدید اجرای مکانیسم از سوی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا به گوش می‌رسد، اما دو سؤال اساسی و بسیار مهم از منظر اقتصادی این است آیا اجرای مکانیسم ماشه فقط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار خواهد داد و آیا اقتصاد اتحادیه اروپا (به عنوان همپا در الگوی ضدايرانی) با اجرای این مکانیسم در امان خواهد ماند؟

در جواب این سؤال‌ها باید بیان کرد که اتحادیه اروپا و اقتصادهای بزرگ آن مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا در صورت اجرای مکانیسم ماشه آسیب خواهند دید که می‌تواند این بررسی آسیب را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی کرد و به صورت زیر قابل تحلیل است:

■ تأثیرگذاری مستقیم

جمهوری اسلامی ایران یکی از تولیدکنندگان بزرگ نفت است. بازگشت تحریم‌ها در حوزه نفت و مشتقات نفتی به معنای کاهش شدید صادرات نفت ایران خواهد بود. حذف چند صد هزار تا یک میلیون بشکه نفت در روز از بازار جهانی، اثر کاهش عرضه را به دنبال خواهد داشت. از طرفی دیگر با ثابت ماندن تقاضای جهانی برای نفت، کاهش عرضه منجر به افزایش قیمت جهانی نفت برنت و WTI می‌شود.

با نگاهی به رویکرد اقتصاد جهانی مشخص است که اتحادیه اروپا یک واردکننده خالص نفت و گاز است. کشورهای اروپایی به شدت به واردات نفت وابسته‌اند. آنها مصرف‌کننده هستند، نه تولیدکننده. بنابراین، زمانی که قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد، هزینه واردات انرژی برای اروپا به‌طور مستقیم و قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند.

از منظر تورم و کاهش قدرت خرید نیز می‌توان این مسئله را بررسی کرد: اجرای مکانیسم ماشه منجر به افزایش قیمت مالی و انرژی نسبت به بی‌ثباتی در ناو میانه حسابی هستند. اقتصادی اروپا می‌گردد که باعث (تورم) می‌شود که قدرت خرید مصرف‌کنندگان اروپایی را کاهش داده و می‌تواند رشد اقتصادی آنها را کند کند.

■ تأثیرگذاری غیرمستقیم

تنش‌های ژئوپلیتیک و ریسک پیشی‌گیری (Premium Risk): فعال‌شدن مکانیسم ماشه به معنای تشدید شدید تنش‌ها با جمهوری اسلامی ایران است. بازارهای مالی و انرژی نسبت به بی‌ثباتی در ناو میانه حسابی هستند. حتی درگیری با اختلال در عرضه (مثلاً به دلیل درگیری در خلیج فارس) باعث می‌شود معامله‌گران یک «صرفه بیمه» تازه کنند.